

مرکز یک دانشمند ایران شناس

دکتر مهدی فروغ

رئیس دانشکده هنرهای دراماتیک

در ساعت ۴ بعداز نیمه شب روز چهارشنبه ۱۹ شهریورماه سال ۱۳۴۸ شمسی پروفیسور آرتور ایام پوپ - دانشمند ایران شناس مشهور در شهر شیراز، در آستانه ۸۹ سالگی بدروید زندگی گفت و بنا به وصیتی که کرده بود جنازه اش در ساعت ۷ بعداز ظهر همان روز به شهر اصفهان منتقل گردید و در ساعت ۱۰ صبح روز شنبه ۲۰ شهریورماه با تشریفات و احترامات شایسته در ساحل زاینده رود، در نزدیکی پل خواجه بخت سپرده شد. برای تجلیل از مقام علمی و فرهنگی آن شادروان از طرف وزارت دربار شاهنشاهی مجلس یادبود پرشکوهی در شهر شیراز برگزار شد و وزارت فرهنگ و هنر نیز مجلس یادبود دیگری در روز شنبه ۲۹ شهریورماه در تالار مرکزی این وزارتخانه برپا خواهد کرد.

با وجود اینکه شادروان پوپ در سنین کهولت و ناتوانی جسمی چشم از جهان فرو بست و شاید بتوان گفت که بهنگام مرگ قسمت اعظم آرزوهائی را که برای ترویج و اعتلای ارزش و اعتبار هنر و فرهنگ کشور ما در دل داشت بر آورده شده بود مرگش مایه تأسف و تأثر فراوان مردم حق شناس کشور ما مخصوصاً طبقه فضلای و دانش پژوهان گردید. عشق و علاقه ای که پوپ به تاریخ درخشان هنر و فرهنگ کشور ما داشت بر تمام کسانی که با او مختصر آشنائی هم داشته اند آشکار است. رایجی این عشق پر شکوه در کلیه آثار و یادداشت های او در کتاب و جزوه و مقاله از او باقی مانده به شام جان کسانی که از مصاحبت با او محروم بوده و او را ندیده و شناخته اند میرسد. تاریخچه زندگی پوپ را میتوان فقط در یک جمله کوتاه یعنی: «عشق بتاریخ درخشان هنر و فرهنگ ایران» خلاصه کرد و همین عشق سرشار چنان جذبه و کشش در وجود او برانگیخت که موجب شد چند سال از پایان زندگی اش را در این مرز و بوم بسربرد و در دامن معبود خود بخواب ابدی فرورود.

فضائل انسانی پروفیسور پوپ و کوشش و مجاهدش در کار سنگینی که به عهده گرفته بود محدود و مختصر نیست که بتوان در یک مقاله کوتاه آنرا خلاصه کرد و بر شمرد. پوپ در راه رسیدن ببقصود از هیچ کوششی باز نمی ماند، هیچ رنج و زحمتی سد راهش نبود، نداشتن وسیله و امکانات مانع تلاشش نمیشد. هیچ شکستی همت بلند او را فرو نمی ریخت و عزم استوارش را ست نمیساخت. همین همت بلند بود که او را برای رسیدن به هدف رهبری میکرد. بیان نرم و شیرین و تعبیرات

گرم و انسانی‌اش چنان به دل می‌نشت که در اندک زمانی هر کس را فریفته طبع انسانی خویش می‌ساخت .

چندین کتاب عظیم مستند و معتبر دربارهٔ هنرهای مختلف ایران تألیف کرده و انتشار داده که سرآمد همه ، مجموعهٔ عظیم «بررسی هنرهای ایران» Survey of Persian Arts درش مجلد است که حاوی پنج هزار تصویر رنگی و سیاه و سفید و متجاوز از سه هزار صفحه تحقیقات و تتبعات بقلم قریب هفتاد نفر از محققان و ایران‌شناسان معروف و معتبر جهان است . این کتاب که نخستین بار در سال ۱۹۳۸ بچاپ رسید تمام هنرهای ایران را از جمله معماری و سفال‌سازی و فلزکاری و مجسمه‌سازی و نقره‌کاری و مفرغ‌کاری و گچ‌بری و نقاشی و پارچه‌بافی و منبت‌کاری و سنگ‌تراشی و تذهیب و تجلید و هنرهای تزئینی و کتابت و مینیاتور و قالی‌بافی و ده‌ها هنر دیگر که نشانهٔ ذوق سرشار مردم این سرزمین در زمینه‌های مختلف است شامل میشود . اهمیت و اعتبار این کتاب برای اهل تحقیق بحدی است که نایاب شدن آن در سالهای اخیر موجب شد دوباره بصورتی مرغوبتر در ۱۵ مجلد در کشور ژاپن بطبع برسد .

البته در دوسه قرن اخیر ایران‌شناسان معتبری از نقاط مختلف جهان رنج سفرهای دور و دراز و سخت را بر خود هموار ساخته و با وجود نبودن امکانات برای تحقیق و مطالعه دربارهٔ هنر و فرهنگ کشور کهن سال ایران به سرزمین ما آمده و در راه شناساندن تاریخ درخشان این کشور و خدمات نیاکان ما به تمدن و فرهنگ بشر مقالات و کتابهای نفیسی انتشار داده‌اند که قدر کوشش و علاقهٔ ایشان بر ما معلوم است و ملت ایران همواره نام آنها را به نیکی یاد میکند . اما

پورفوسور یوپ در ملاقات با پورفوسور گیرشین .



انتشار کتاب «بررسی هنرهای ایران»، صرف نظر از کمال و فنیت‌های دیگرش بر آثار سایر علما، موجب شد که همه این کوششهای پراکنده در یک جا جمع شود و پیوند ذوقی و خوشاوندی علمی کلیه هنرهای این سرزمین، در شش هزار سال تاریخ این کشور به ثبوت برسد. چون تاریخ فرهنگ این کشور چنان پیوسته است که جدا دانستن عصرها و دوره‌های مختلف برای آن غیر ممکن است. مردم ایران حتی در لحظات کوتاهی که در زیر استیلای ملل اجنبی سزمیبردند و با متانت و بردباری مشقت سیادت و حکومت خارجی را بر خود هموار می‌ساختند از کارهای فرهنگی و هنری غافل نماندند. در دوره‌های تلخ و تاریکی که این سرزمین گرفتار ایلغار یغماگران و چپاول غارتگران - که تنها تأثیرشان در این سرزمین معرفی همین تعبیرات در زبان فارسی است - بود ایرانیان همت و کوشش خود را در راه بیان تمنیات و احساسات لطیف شاعرانه خود از طریق هنرهای مختلف همچنان بکار می‌بستند و آثار درخشانی که از سرشاری ذوق و نازکی طبع آنها حکایت میکند بدنیای هنر عرضه می‌داشتند. این تنها وسیله‌ای بود که ملت ایران با بکار بستن آن توانست اقوام غالب را، با سرافرازی، مقهور خویش سازد. «بررسی هنرهای ایران» از این پیوستگی حکایت می‌کند.

بعلاوه این کتاب موجب شد که یک ارتباط علمی و هنری بین علما و محققان ایران شناس جهان بوجود آید و در حقیقت یک خانواده عظیم از دانشمندان ایران شناسی تشکیل شود که با همکاری یکدیگر در رشته‌های مختلف هنری این مملکت پژوهش کنند. ارزش و اهمیت این اقدام بر کسانی که به دامنه نفوذ فرهنگی ایران در سرتاسر نیمه جنوبی قاره آسیا آگاهی دارند کاملاً معلوم است.



پورفور پوپ با جمعی از دوستان (عکس ست چپ خانم اکرمین هسر پوپ است).



وقتی صحبت از فرهنگ و هنر ایران می‌آید مقصود توجه به آثار هنری منحصر به کشور فعلی ایران نیست دامنه فرهنگ ایران بقدری وسیع است که نشانه‌های آنرا حتی در دورترین نقاط شرق و جنوب و غرب آسیا میتوان جستجو کرد .

یکی از آرزوهای بزرگ شادروان پوپ که آرزوی هرایرانی نیز هست این بود که تحقیق درباره فرهنگ و هنر ایران درخود ایران صورت گیرد و معتقد بود که همانطور که برای مطالعه احوال و تاریخ و تمدن هرملت ، ما سرزمین همان ملتها سفر میکنیم و درمؤسسات علمی ایشان به پژوهش میپردازیم ، تحقیق درباره هنر و فرهنگ ایران هم باید درخود سرزمین ایران صورت گیرد .

این آرزو نیز بیاری پرودگار برآورده شد و تأسیس مؤسسه ایران‌شناسی در دانشگاه پهلوی شیراز نوید امیدبخشی است باینکه تاریخ این کشور که در هر گوشه آن نور معرفت و علم و فضیلت و ذوق تجلی میکند بتدریج بهمت و کوشش علما و محققان این مملکت برجانیان معلوم گردد و دین ما به نیاکانمان باین طریق ادا شود .

درخاتمه این مطالب که بیاس احترام مقام رفیع آن شادروان برای چاپ در این مجله با شتاب فراوان فراهم شده لازم می‌بینم که یک خاطره کوچک از اقدام جالب توجهی که پروفیسور پوپ ضمن فعالیت‌های مستمر خود برای شناساندن فرهنگ و هنر ایران بکار می‌بست بعرض خوانندگان محترم برسانم .

پروفیسور پوپ با ندهای از علاقمندان در حال صحبت هستند .



در حدود بیست و اندی سال پیش که حقیر در امریکا بود مجلس میهمانی بسیار باشکوهی در مهمانخانه بزرگ و معروف «والدرف استوریا» Waldorf Astoria در نیویورک از طرف «مؤسسه باستان‌شناسی آسیا» Asia Institute بهمت شادروان پوپ برگزار شد که در آن عده کثیری از رجال درجه اول امریکا از جمله عده‌ای از فرمانداران ایالات آن کشور و صاحبان چند کارخانه بزرگ و مدیران جرائد معروف و ایران‌شناسان بنام شرکت داشتند. این میهمانی چندین تالار را شامل میشد. تمام دیوارهای آن چند تالار به آثار معروف باستانی ایران مزین شده بود. در بین این جمع دونفر ایرانی نیز دعوت شده بودند. یکی جناب آقای نصرالله انتظام سفیر کبیر دولت شاهنشاهی که بعلم اشتغالات فراوان در آخرین دقیقه از شرکت در آن جلسه عذر خواستند و یکی هم حقیر بود که برای عرض مطالبی درباره هنر ایران در این جلسه حضور یافته بود.

سفره شامی که در این میهمانی در روی میز چیده شده بود شاهکاری بود از ذوق و سلیقه و شور ایران‌دوستی که هرگز از خاطر این بنده نخواهد رفت. برای نشان دادن این مایه سلیقه میل داشتم تصاویری را که در انبوه یادداشتهای خود از این مجلس ضیافت داشتم بضمیمه این مطالب بنظر هم‌میهنان گرامی برسانم ولی یافتن آنها میسر نشد، اینک بتقل آن اکتفا میکنم.

سفره غذا با انواع خوراکیهای مخصوص ایرانی، بنقش قالیهای اسلیمی عالی ایران در چند سطح چیده شده بود و خطوطی که حاشیه و متن این نقش را تشکیل میداد با انواع سبزی مزین بود و در وسط آن حوضچه ترنجی شکلی با کاشیهای فیروزه‌ای مشبک و کنگره‌دار دیده میشد که در وسط آن آب از قواری که تعبیه شده بود جستن میکرد.

صورت غذا در روی دو صفحه بزرگ از کاغذ اعلا با خط لاتین و رنگی بقسمی چاپ شده بود که از فاصله کم شخص تصور میکرد بخط شکسته نستعلیق نوشته شده است. مواد خوراکی عبارت بود از نان لواش و نان بربری و پنیر ایزدخواست و ماست و رامین و ته‌چین و انواع ماکولات اختصاصی ایران با ذکر محل و مکانی که نوع مرغوب آن در قدیم در آنجا یافت میشد. دونفر مستخدم مجلس به لباس دوران صفوی که یکی آفتابه زرکوب و دیگری لکن زرکوب متعلق بدوره صفوی بدست داشت، بعضی صرف شدن هر غذا برای شستن دست میهمانان خدمت میکردند. نوای موسیقی عارفانه و روان‌بخشی شنیده میشد. خلاصه مجلس ضیافتی بود ایرانی باشکوه و جلال فرهنگ و هنر ایرانی که چشم هر بیننده‌ای را خیره میساخت. این مایه ذوق و این پایه شور ایران‌دوستی در محیطی که اطلاع چندانی از گذشته درخشان این سرزمین وجود نداشت برای کسی که به کشورش عشق بورزد مایه اعجاب و تحسین و تعظیم و تکریم بود. خلاصه اینکه شادروان پوپ چون هنرمندی فیلسوف و فیلسوفی هنرمند بهر وسیله‌ای متوسل میشد که کشور ما را بصورتی که درخور شأن و عظمت آنست باشکوه و آبرومندی بمردم جهان معرفی کند.

امیدواریم مقالات چاپ نشده آن شادروان که از صدها تجاوز میکند بهمت و پشت کار و بصیرت همسر ارجمند و وفادارش دکتر فیلیس اکرمین Dr. Phylis Ackerman که خود دانشمندی عالیقدر است و در تمام این فعالیتها با او همکاری نزدیک داشته است جمع‌آوری شود و برای استفاده علاقمندان بزودی منتشر گردد.

نام نیک این مرد بزرگ که دلش عشق ایران زنده بود هرگز از لوح ضمیر ایرانیان محو نخواهد شد.

این نویسنده از طرف خود و عموم نویسندگان مجله هنر و مردم ضایعه بزرگ را به بانوی محترم و دانشمند آن شادروان از صمیم قلب تسلیت میگوید و آرزوی روح او را از خداوند متعال مسئلت دارد.